فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی هشتم، شماره‌ی۳، زمستان ۹۸،صفحات ۱۱۲-۸۹

مقاله پژوهشی

گرایش به باروری و اثر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر آن (مطالعه‌ی موردی زنان متأهل ۲۰ تا ۴۴ ساله‌ی شهر تهران)

سعیده حاج علی [۱]، سید محمد سید میرزایی [۲]، سید محمد صادق مهدوی [۳]

تاریخ دریافت:۱۳۹۸/۰۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۸/۲۳

چکیده

هدف این مقاله بررسی گرایش به باروری و عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن است . باروری و گرایش به آن یک متغیر چندوجهی است که در علوم گوناگون مطالعه شده است. در این پژوهش از بعد جامعه‌شناختی به آن پرداخته شده است. متغیر وابسته گرایش به باروری است و متغیرهای مستقل در دو بخش متغیرهای اجتماعی (تحصیلات و اشتغال زنان) و متغیرهای فرهنگی (ترجیح جنسیتی و برابری جنسیتی) می‌باشند. جامعه‌ی آماری زنان متأهل ۲۰ تا ۴۴ساله شهر تهران بوده. حجم نمونه ۳۸۴ نفر و روش تحقیق پیمایش است. در چارچوب نظری از نظریه‌ی نوسازی، برابری جنسیتی مک دونالد و عقلانیت فرهنگی و تکامل فرهنگی و محیط فرهنگی استفاده شده است. در تجزیه‌تحلیل اطلاعات نرم‌افزار spss و آزمون همبستگی اسپیرمن، رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده شده است. نتایج نشان داد بین متغیر های اجتماعی مانند تحصیلات و اشتغال زنان و متغیرهای فرهنگی مانند برابری جنسیتی و ترجیح جنسیتی و گرایش به باروری رابطه‌ی آماری معنادار وجود دارد. در نتایج رگرسیون مشاهده شد که تحصیلات ۱۵/۳ درصد، اشتغال زنان ۱۲/۸ درصد و ترجیح جنسیتی ۱۱/۵ درصد از تغییرات گرایش به باروری را تبیین می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: گرایش به باروری، اشتغال زنان، برابری جنسیتی، ترجیح جنسیتی

[۱] دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی گرایش گروه‌های اجتماعی واحد علوم وتحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
Saeedeh.1351@gmail.com

[۲] استاد گروه علوم اجتماعی، واحد علوم وتحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده‌ی مسوول)
seyedmirzaie@yahoo.com

[۳] استاد گروه علوم اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
sms_mahdavi@yahoo.de

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مقدمه

بررسی و توجه به تغییر نگرش در خانواده به موضوعات اساسی و مهم مانند باروری، ارزش فرزند و برابری جنسیتی از جمله موضوعات مورد توجه دانشمندان علوم اجتماعی بوده است. اگرچه مسأله جمعیت از دیرباز مورد توجه محققان علوم اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بوده است. اما پژوهش درباره علل افزایش یا کاهش آن با توجه به تغییرات چند دهه‌ی اخیر توسعه‌ی فراوانی یافته است. بررسی موضوع جمعیت و کاهش یا افزایش آن همواره در بستر خانواده قابل مطالعه است؛ زیرا در جامعه‌ی ما خانواده محل شکل‌گیری ارزش‌ها و نگرش‌ها است. جامعه‌ی ایران در دهه‌های اخیر در مسیر تحولات فرهنگی و اجتماعی وسیعی قرار گرفته و این تحولات به‌ویژه در خانواده مشهود بوده است. از جمله‌ی این تحولات خانواده می‌توان به برابری جنسیتی اشاره کرد. از طرفی عوامل مهم دیگری مانند ترجیح جنسیتی نیز در خانواده قابل تفسیر و مطالعه است.

بررسی رفتار باروری زنان ایران در دو دهه‌ی اخیر در نتیجه‌ی تغییر نسبی موقعیت زنان از اهمیت بسیاری برخوردار است. این تغییر موقعیت شامل مواردی مانند افزایش سطح تحصیلات، مشارکت در مشاغل درآمدزا و مشارکت‌های اجتماعی و افزایش سن ازدواج و غیره می‌باشد. تغییرات در خانواده همراه و همگام با تغییرات در نرخ باروری نیز بوده است. عوامل مهم اجتماعی و فرهنگی وجود دارد که با بررسی آن می‌توان به برخی علل تغییر رفتار باروری دست یافت. عوامل اجتماعی مانند افزایش سطح تحصیلات زنان و مشارکت ایشان در بازار کار قطعاً بر گرایش به باروری آنان تأثیرگذار است. از طرفی عوامل فرهنگی و مهمی مانند برابری جنسیتی و ترجیح جنسیتی نیز بر گرایش به باروری زنان تأثیر می‌گذارد. مسأله‌ی اصلی تحقیق، بررسی عوامل تأثیرگذار بر گرایش به باروری زنان است؛ زیرا عواقب ناشی از کاهش یا افزایش آن در امور اجتماعی بسیاری تأثیرگذار خواهد بود. بر طبق آمار و اسناد موجود، رشد جمعیت در ایران در حال کاهش است(رشد سالانه‌ی جمعیت از ۱/۴۷ درصد در سال ۷۰-۷۵ به ۱/۲۹ در سال ۹۰-۸۵ رسیده است. بعد خانوار نیز از ۵/۲ در سال ۷۰ به ۳/۵ در سال ۹۰ رسیده است)؛ اما آنچه مورد توجه قرار می‌گیرد سرعت کاهش است که در کشور ما بیش‌تر دیده می‌شود. ادامه‌پیداکردن کاهش رشد جمعیت باعث می‌شود ساختار جمعیت تغییر و درصد سالمندان افزایش پیدا کند و درنتیجه این تغییر تبعات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز خواهد داشت. در این پژوهش سعی شده است عوامل مؤثر بر گرایش به باروری مورد بررسی قرار گیرند و از طرفی سهم هریک از عوامل مشخص شود. این مطالعه یک پژوهش کاربردی است. زیرا با شناسایی عوامل مؤثر، می‌توان بر

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

گرایش به باروری تأثیر گذاشت. هدف کلی پژوهش شناخت عوامل اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار در گرایش به باروری زنان است. متغیر وابسته گرایش به باروری است. یکی از متغیرهای مستقل برابری جنسیتی است؛ اما برابری جنسیتی مفهومی چندبعدی است که بر بسیاری از جنبه‌های زندگی مانند دسترسی به آموزش، دسترسی به بهداشت، حقوق مدنی و آزادی‌های شهروندی و منابع اقتصادی تأکید دارد(افشاری،۱۳۹۴: ۲۵۳). برابری جنسیتی همچنین در دو حوزه‌ی عمومی و خصوصی مطرح است. متغیر مستقل دیگر ترجیح جنسیتی است. منظور از نگرش‌های جنسی ترجیحی، قایل‌بودن به برتری ذاتی، حقوقی یا نهادی یک جنس، نسبت به جنس دیگر است(منصوریان و خوشنویس،۱۳۸۵: ۱۲۹). در این تحقیق نیز منظور از ترجیح جنسیتی، ترجیح و گرایش به داشتن فرزند پسر نسبت به فرزند دختر است.

پیشینه‌ی پژوهش

ابتدا به مطالعاتی که در ایران انجام شده است به ترتیب سال اشاره خواهد شد. فروتن و کرمی(۱۳۹۵) الگوها و تعیین‌کننده‌های تمایلات فرزندآوری را در ایران مورد بررسی قرار داده و به این نتایج رسیده‌اند که هنوز الگوهایی مانند بی‌فرزندی و تک‌فرزندی در جامعه‌ی ایران چندان پذیرفتنی نیست و برجسته‌ترین الگوی تمایلات فرزندآوری نیز الگوی دوفرزندی است. تمایلات فرزندآوری زنان و مردان به هم شبیه و یکسان است. تفاوت‌ها در زمینه‌ی تمایلات فرزندآوری به طور چشمگیری تحت تأثیر نحوه‌ی نگرش جنسیتی مانند نگرش به الگوی سنتی مرد نان‌آور خانواده و اشتغال زنان است. طاووسی و دیگران(۱۳۹۴) با عنوان فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن از نگاه مردم تهران به این نتیجه رسیده‌اند که ۳۶/۸ درصد از پاسخ‌گویان به فرزندآوری تمایل داشته‌اند و ۶۳/۲ درصد تمایل ندارند. عدم تمایل به فرزندآوری با متغیرهایی مانند سال‌های ازدواج بیش‌تر، جنسیت مذکر، داشتن تعداد بیش‌تر فرزند و میزان درآمد پایین ارتباط معنادار دارد. شهابی(۱۳۹۴) با عنوان گذار به مادری در بستر باروری پایین، ارزش‌ها و موانع مادری زنان شاغل با تحصیلات دانش‌گاهی به نتایج زیر رسیده که این زنان به دلیل برعهده‌داشتن مسوولیت‌های چند گانه، تجربه‌ی به‌مراتب سخت‌تری نسبت به سایر مادران دارند و این تجربه‌ی دشوار معمولاً آنان را از داشتن فرزندان بعدی نهی می‌کند، این زنان با وجود همه‌ی مشکلات موجود، داشتن یک فرزند را لازمه‌ی زندگی می‌دانند. میرزااحمدی(۱۳۹۳) با موضوع تأثیر اشتغال بر گرایش به باروری به این نتیجه رسیدند که بین اشتغال و گرایش به باروری رابطه‌ی معناداری وجود دارد. در زنان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

شاغل گرایش به باروری کم‌تر بوده است. فروتن، سعیدی مدنی، عسکری ندوشن و اشکاران(۱۳۹۳) موضوع الگوها و تعیین‌کننده‌های ترجیح جنسیتی را بررسی کرده و نتایج این است که علی‌رغم کاهش باروری به زیر سطح جایگزینی در استان مازندران ترجیح جنسیتی مبتنی بر فرزند پسر همچنان متداول است و تعیین‌کننده‌های اصلی تمایل به فرزندآوری عبارتند از تعداد فرزندان موجود و ترکیب جنسیتی مطلوب فرزندان. رابطه‌ی برابری جنسیتی در خانواده و باروری زنان توسط قدرتی، بوستانی، قدرتی و کلالی(۱۳۹۲) مورد بررسی قرار گرفت و به نتایج زیر دست یافته‌اند که برابری جنسیتی رابطه‌ی مستقیم و معنی‌داری با متغیر وابسته دارد. خواجه صالحی(۱۳۹۱) نیز با عنوان تأثیر برابری جنسیتی بر تمایلات فرزندآوری به این نتیجه رسیده است که یکی از شاخص‌های برابری جنسیتی در نهادهای خانواده‌محور بر کاهش تمایل به داشتن فرزند بیش‌تر در میان زنان واقع در سنین باروری تأثیرگذار است. با افزایش ساعات پرداختن به کارهای منزل و مراقبت فرزندان توسط مردان، تمایل زنان به فرزندآوری نیز افزایش می‌یابد. با افزایش تحصیلات و مشارکت اجتماعی زنان، تمایل به فرزندآوری کاهش پیدا می‌کند. عوامل اجتماعی مؤثر در میزان باروری در خانواده توسط کاظمی‌پور، ادریسی و ویشکایی(۱۳۹۱) بررسی شده و یافته‌ها حاکی است که رفتار باروری با نگرش به سیاست‌های جمعیتی و با میزان دین‌داری همبستگی معناداری دارد، میزان تمایل به فرزندآوری بیش‌تر، در مردان بالاتر از زنان می‌باشد. میزان تمایل به فرزندآوری بیش‌تر در میان افراد با پایگاه اقتصادی، اجتماعی متوسط بیش‌ترین میزان و با پایگاه اقتصادی اجتماعی بالا، کم‌ترین میزان می‌باشد. ادیبی ده، ارجمند سیاهپوش و درویش‌زاده(۱۳۹۰) با عنوان افزایش باروری و عوامل مؤثر بر آن به نتایج زیر رسیده‌اند. میزان تحصیلات زن و مرد رابطه‌ی منفی و معکوس با میزان باروری دارند. بین متغیر نگرش افراد به باروری و میزان باروری رابطه‌ی همبستگی مثبت و مستقیم وجود دارد. متغیرهای مستقل ۴۷/۲ درصد تغییرات میزان باروری را تبیین می‌کنند. متغیرهای میزان تحصیلات زنان، وضعیت اشتغال مرد و نگرش افراد به باروری سهم بیش‌تری در تبیین میزان باروری دارند. منصوریان و خوشنویس(۱۳۸۵) ترجیحات جنسی و گرایش زنان همسردار به رفتار باروری را مطالعه کرده و به این نتیجه رسیدند که متغیرهای ارزیابی ترکیب جنسی فرزندان بر اساس ترجیحات جنسی و تعداد فرزندان مطلوب در تبیین گرایش به رفتار باروری نقش عمده‌ای بر عهده دارند. میرزایی(۱۳۸۳) با عنوان عوامل مؤثر بر باروری زنان همسردار به یافته‌های زیر دست یافته‌اند: هرچه میزان درآمد ماهانه‌ی خانواده بیش‌تر باشد میزان باروری کاهش می‌یابد. میزان باروری زنان شاغل کم‌تر از زنان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

غیر شاغل است. هرچه سطح تحصیلات زوجین بالاتر باشد میزان باروری کاهش می‌یابد. رشیدی(۱۳۷۹) با عنوان عوامل مؤثر بر باروری به این نتایج رسیده‌اند که متغیرهای مستقل، شامل تحصیلات، اشتغال، بالابودن هزینه‌ی نگه‌داری و گذراندن اوقات فراغت فرزندان، شناخت و آگاهی از برنامه‌های تنظیم خانواده و وسایل پیشگیری، پایین‌بودن سن ازدواج، طولانی‌شدن مدت ازدواج رابطه‌ی معنی‌داری با متغیر وابسته داشته‌اند. افراخته(۱۳۷۵) با عنوان تفاوت اهداف باروری بین زن و مرد در سیستان و بلوچستان به این نتیجه دست یافته که یکی از تفاوت‌های اساسی بین جنس‌ها نقش عامل بیولوژیکی آن‌ها در تجدید نسل است که خود منشأ تفاوت‌ها در اهداف باروری بین زن و مرد می‌گردد. تجدید نسل باعث رنج و زحمات برای زنان است درنتیجه به‌طور طبیعی زنان برخلاف مردان خواهان فرزندآوری کم‌تر و افزایش فواصل باروری هستند. اما این خواست تحت عوامل مختلف تغییر می‌پذیرد. عوامل و شرایط مؤثر بر اختلاف اهداف تجدید نسل بین زنان و مردان را، رواج سیستم پدرسالاری، شرایط اقتصادی سنتی، نظام‌های خویشاوندی و دودمانی و شرایط جمعیتی برمی‌شمارد.

در رابطه با مطالعات پیشین در جهان نیز به ترتیب سال به مواردی اشاره خواهیم کرد . گانتر[1] و هارتگن[2] (۲۰۱۶) با عنوان باروری مورد نظر(دلخواه) و فرزندان متولد شده در طول زمان و مکان، به این نتایج رسیده‌اند که با بررسی رابطه‌ی بین باروری دلخواه و تعداد فرزندان در طول زمان در ۲۰۰ کشور با کنترل تأثیرات ثابت و روند جهانی، یک رابطه‌ی نزدیک بین تولد خواسته شده و باروری واقعی پیدا کرده‌اند. با این حال نتایج نشان می‌دهد که در ۲۰ سال گذشته میزان تولد ناخواسته در کشورهای آفریقایی باقی‌مانده است. اما به‌طور متوسط در سایر کشورهای در حال توسعه این تعداد از یک به صفر نزدیک شده است. زنان در کشورهای آفریقایی کم‌تر قادر به ترجیح کودک به نتایج تولد هستند تا زنان در سایر کشورهای درحال توسعه، تلاش‌های تنظیم خانواده تنها بخشی از تفاوت‌های زمانی و مکانی مشاهده شده در دستیابی به سطح باروری مورد نظر است.

– آندرسون[3] و کوهلر[1] (۲۰۱۵) با عنوان باروری پایین، توسعه‌ی اقتصادی اجتماعی و برابری جنسیتی اظهار داشته‌اند درحالی‌که یافته‌های تجربی جدید و چارچوب نظری نگرش درباره‌ی

[1] Gunther
[2] Harttgen
[3] Anderson

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

ارتباط‌های بین توسعه‌ی اقتصادی اجتماعی، برابری جنسیتی و باروری پایین را ارائه می‌دهد، استثنائات گیج‌کننده و ناپایدار در یافته‌ها، چارچوب جامع‌تر را برای فهم متقابل این فرآیندها به وجود می‌آورد. سرعت و شروع توسعه دو عامل مهم است که در هنگام تجزیه‌تحلیل برابری جنسیتی و باروری باید مورد توجه قرار گیرد. فروتن(۲۰۱۴) نیز با عنوان تغییر اجتماعی و پاسخ جمعیتی در ایران، با بررسی تحولات جمعیتی ایران طی دهه‌های گذشته نشان داده است که الگوهای شکل‌بندی خانواده مانند ازدواج و فرزندآوری به میزان زیادی تحت تأثیر زمینه‌ها و الزامات فرهنگی و اجتماعی است. وی به بررسی رابطه‌ی بین مذهب، شکل‌بندی خانواده و روندهای اجتماعی در ایران از دیدگاه اجتماعی جمعیت‌شناختی پرداخته است و ایران را یکی از تجارب خاص در کاهش شدید نرخ تولد که تا به حال در تاریخ بشر تجربه شده، معرفی کرده است. تغییرات اساسی اجتماعی و فرهنگی در طول چند دهه‌ی گذشته در ایران، آن را به عنوان یک آزمایش‌گاه بزرگ اجتماعی منحصر به فرد برای تجزیه‌وتحلیل عوامل مؤثر بر تغییرات در ازدواج و الگوهای باروری ساخته است. درحالی‌که تأکید بر تمایز از مطالعه‌ی موردی کشور ایران است؛ این مقاله همچنین شواهد مربوط به بحث‌های طولانی را که آیا مذهب و یا عوامل دیگر ناشی‌شده از آن مانند ازدواج زودهنگام، شیوع بالای ازدواج و باروری بالا در آن‌چه در اصطلاح زمینه‌ی اسلامی نامیده می‌شود، توضیح می‌دهند فراهم می‌کند.

در مقاله‌ای با عنوان ما هنوز می‌توانیم از ارتباط بین باروری و اشتغال بانوان برخی چیزها را بیاموزیم، دلپیانو [۲] ۳ (۲۰۱۲) اشاره می‌کند که در این کار تأثیر باروری را بر اشتغال مادران برای نمونه‌ای از کشورهای در حال توسعه مطالعه می‌کند. با استفاده از رویداد تولد چندگانه به عنوان یک متغیر، برای باروری، به این نتیجه رسیده که داشتن فرزندان تأثیر منفی بر اشتغال زنان دارد. تغییرات غیرمنتظره در باروری در سطح تحصیلات عالی مادر و در مناطق شهری قوی‌تر است.

– جین [۴] (۱۹۸۱) با عنوان تأثیر تحصیلات زنان روی باروری، ساختار رابطه‌ی بین آموزش زنان و باروری را بررسی کرده است. براساس داده‌های منتشرشده در گزارش اول کشور از بررسی جهانی باروری برای یازده کشور، .به نظر می‌رسد باروری تجمعی زنان تحصیل‌کرده در مناطق

[1] Kohler
[2] Delpiano
[3] Jain

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

مختلف مشابه بوده است. این تحلیل نشان می‌دهد که پیشرفت در آموزش زنان می‌تواند بر رفتار باروری تأثیر بگذارد؛ حتی بدون تغییرات هم‌زمان در سایر عوامل مانند افزایش فرصت برای مشارکت در نیروی کار در بخش مدرن.

در جمع‌بندی پژوهش‌های پیشین مشاهده شد در بخش‌های قبل پژوهش‌هایی در زمینه‌ی باروری وجود دارد . که به تأثیرات عوامل اجتماعی و فرهنگی مانند تحصیلات، اشتغال زنان، ترجیح جنسیتی و برابری جنسیتی و غیره بر گرایش به باروری پرداخته شده است. اما در بیش‌تر موارد در حوزه‌ی مطالعات جمعیتی است. تفاوت عمده‌ی این پژوهش با بقیه‌ی موارد در این است که سعی شده است درباره‌ی باروری و گرایش به باروری، این مطالعه در حوزه‌ی جامعه‌شناسی و به‌خصوص در حوزه‌ی جامعه‌شناسی خانواده انجام گیرد. در این تحقیق باروری در بستر خانواده مورد تحقیق قرار گرفته است. عوامل اجتماعی و فرهنگی بیش‌تر مورد عنایت قرار گرفته‌اند. باروری موضوعی میان‌رشته‌ای است که عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اثر چندجانبه روی آن دارند و پی‌آمدهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و محیط زیستی قابل توجهی را به‌وجود می‌آورند .

مبانی نظری پژوهش

در ابتدا تئوری‌های اجتماعی مرتبط با باروری آورده شده است. **نظریه‌ی نوسازی**[1]: نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر نوسازی بر تحولات خانواده که بر نتیجه‌ی صنعتی‌شدن و شهرنشینی و افزایش تحصیلات زنان تأکید داشته‌اند. از جمله‌ی این تغییرات می‌توان به تغییر خانواده از شکل گسترده به هسته‌ای اشاره کرد. از دیگر تغییرات کاهش تأثیر سنت‌ها بر خانواده است. این تغییرات بی‌شک بر گرایش به باروری که از کارکردهای خانواده است نیز تأثیر خواهد داشت. با افزایش تحصیلات و مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، گرایش زنان به باروری نیز کاهش خواهد یافت. در بحث مدرنیته بازاندیشی‌شده، بک[2] نیز اشاره می‌کند که در عصر ماقبل مدرن سرنوشت افراد را محیط خانوادگی و جنسیت تعیین می‌کرد. برطبق این نظر زنان مجبور بودند که نقش مادری را بپذیرند و تحت چارچوب خانواده و جنسیت‌شان همواره عمل می‌کردند. ولی امروزه برطبق نظر

[1] Modernization Theory
[2] Beck

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

بک فشارها کاسته شده و زندگی افراد انتخابی و همراه با برنامه‌ریزی شخصی است. در این زمان می‌تواند گرایش به باروری زنان مورد بررسی قرار گیرد. با استفاده از نظریه‌ی نوسازی، فرضیه‌ی اول مطرح می‌شود: بین تحصیلات و گرایش به باروری رابطه وجود دارد، با افزایش تحصیلات، گرایش به باروری کاهش می‌یابد.

نظریه‌ی منابع بلادوولف[1]: ایده‌ی اصلی این دیدگاه این است که یک فرد منابع و امکاناتی در اختیار دارد که برای فرد دیگر جهت رسیدن به اهداف و نیازها، تمایلات و علایق ضروری است. تئوری منابع بر این فرض استوار است که قدرت تصمیم‌گیری هریک از آنان با میزان مشارکتی که هریک از زوجین در تأمین نیازهای ارزشمند دارند، رابطه‌ی مستقیمی دارد. ایشان به‌طور خاص بر منابع درآمد، اشتغال و تحصیلات تمرکز می‌کنند و معتقدند بین این متغیرها و میزان قدرت در تصمیم‌گیری رابطه‌ی مثبت وجود دارد. قدرت همسر جهت تصمیم‌گیری در خانواده متأثر از پایگاه‌های آن‌ها در جامعه گسترده‌تر است که این پایگاه‌های اقتصادی و اجتماعی گسترده‌تر به‌وسیله‌ی سه متغیر(تحصیلات، اشتغال و درآمد) اندازه‌گیری می‌شود. همچنین آن‌ها بر این باورند که قدرت شوهر با افزایش سطح تحصیلات، درآمد و پایگاه شغلی وی و یا مجموعه‌ای از این عوامل افزایش می‌یابد. بنابراین متغیرهای یادشده به عنوان منبعی است که مرد می‌تواند از آن برای کسب قدرت بیش‌تر در روابط خانوادگی استفاده کند. علاوه بر این زن یا شوهری که بیرون از خانه کار می‌کند منابع قدرت را با خود به خانه می‌برد. پرقدرت‌ترین منبع پول است. فردی که منبع اقتصادی را با خود به خانه می‌برد، از نظر اجتماعی و روانی نیز خود را فرد مؤثرتری می‌داند(موحد و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۶۵) با توجه به نظریه‌ی منابع می‌توان گفت زنان با اشتغال در فعالیت‌های اقتصادی و کسب درآمد از آن به منابعی دست می‌یابند که باعث می‌شود قدرت بیش‌تری در تصمیم‌گیری‌ها در خانواده داشته باشند. یکی از تصمیم‌گیری‌های مهم در خانواده تعیین تعداد فرزندان است. وقتی زنان دارای قدرت تصمیم‌گیری بیش‌تری باشند تعداد فرزندان را کاهش خواهند داد و در نتیجه گرایش به باروری کم‌تری خواهند داشت.

نظریه‌ی تعارض نقش[2]: تعارض نقش زمانی اتفاق می‌افتد که تقاضاهای ناسازگارانه بر یک فرد وجود دارد. تعارض درونی نقش، زمانی است که تقاضا در یک حوزه‌ی واحد زندگی است و

[1] Blood&Wolf
[2] Role conflict theory

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

تعارض بین نقش زمانی است که بین دو حوزه‌ی زندگی مثل زندگی خانوادگی و کار به‌وجود می‌آید. تعارض نقش یک موقعیت است که انتظار می‌رود یک فرد دو نقش غیر مکمل را با هم بازی کند. یکی از عمومی‌ترین تعارض‌های نقشی بین کار و خانواده است. محققان به این مورد توجه داشته‌اند که کاهش نرخ باروری در کشورهای توسعه یافته در اثر تعارض نقش زنان به‌وجود آمده است. تحقیقات هم سعی کرده‌اند هماهنگی سخت بین زندگی کاری و زندگی خانوادگی را نشان بدهند.

فشار نقش[1]: گاه اتفاق می‌افتد که فرد در انجام نقشی که از او انتظار می‌رود دچار مشکل می‌شود این به دلیل تعارض نقش‌ها و وظایف یا انتظاراتی که در قبال آن نقش وجود دارد. این تعارضات ممکن است هنگامی ظاهر شود که طرف مقابل نقش، انتظارات متفاوتی از دارنده‌ی نقش دارد؛ یا زمانی که شخص پایگاهی را اشغال می‌کند که مستلزم یک سلسله الگوهای رفتاری متفاوتی است که در آن لحظه ممکن است فرد دچار تعارض شود. همان‌طور که در نظریات مرتبط با تعارض نقش دیده می‌شود. هر دو نوع تعارض درونی و بیرونی نقش از مهم‌ترین تعارضات برای زنان است، تعارض درونی نقش برای زنان همواره بین نقش مادری، همسری وجود داشته است و تعارض بیرونی برای زنان شاغل و زنان در حال تحصیل همواره وجود داشته است و همیشه از زنان انتظار می‌رود که همه‌ی این نقش‌ها را به خوبی مدیریت و ایفا نمایند. لذا زنان در موارد زیادی تحت فشار نقش قرار می‌گیرند و برای کنترل این فشار نقش و تعارضات نقش گرایش به باروری آنان کاهش می‌یابد. تا با کاهش تعداد نقش‌ها بتنوانند تعارض‌ها را کم‌تر کنند. در این رابطه تحقیقات متعددی اثبات کرده‌اند که تعارض نقش برای زنان بیش از مردان است. با استفاده از نظریه‌ی منابع و تعارض و فشار نقش، فرضیه‌ی دوم مطرح می‌شود که: بین اشتغال زنان و گرایش به باروری رابطه وجود دارد.

تئوری‌های فرهنگی: عوامل فرهنگی و تغییر ایده‌ها نقش بنیادین را در تبیین الگوهای فرزندآوری دارند که در دهه‌های اخیر مورد استقبال قرار گرفته است. هامل[2]استدلال می‌کند که مفهوم فرهنگ به این دلیل در دوران معاصر مود توجه پژوهش‌گران قرار گرفته است که آنان از تئوری‌های کلی‌نگر اقتصادی در تبیین متغیرهای جمعیتی همچون الگوهای فرزندآوری فاصله

[1] Role Strain
[2] Hammel

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

گرفتند و در پی آن هستند که از یک سلسله اصول کلی برای تبین موضوعات مورد مطالعه خود مانند الگوهای فرزندآوری استفاده نمایند. اهمیت این رویکرد تئوریک فرهنگی اجتماعی را می‌توان در تجربه‌های تاریخی مرتبط با مراحل گذار جمعیتی نیز مشاهده کرد. زیرا این تجربه‌های تاریخی نشان داده که گرچه مرحله‌ی آغازین گذار معطوف به کاهش سطح مرگ‌ومیر با سرعت چشمگیری همراه بوده است. اما میزان پیشرفت در مرحله‌ی بعدی گذار، ناظر به سطح فرزندآوری به مراتب کندتر از پیش‌بینی‌های اولیه بود. زیرا پایین‌آوردن سطح باروری بسیار پیچیده‌تر از کاهش مرگ‌ومیر است. عوامل فرهنگی متعددی بر باروری تأثیر می‌گذارند(فروتن وکرمی،۱۳۹۵: ۷۸). در نظریه‌ی محیط فرهنگی بر این نکته تأکید می‌شود که تحقق موفقیت‌آمیز اقدامات مرتبط با تعدیل رشد جمعیت مستلزم فراهم‌بودن شرایط فرهنگی مناسب و هم‌ساز می‌باشد. هانکینز[1] نشان می‌دهد که اعتقادات و باورهای سنتی مانع اساسی برنامه‌های تعدیل جمعیت می‌باشند. ضمن تأکید بر ضرورت بازنگری اساسی در طرز تفکرهای سنتی به منظور ایجاد تغییرات جمعیتی، خاطر نشان می‌سازد که بدون در اختیار داشتن یک محیط فرهنگی مناسب، برنامه‌های تعدیل رشد جمعیت و کنترل موالید قادر نخواهند بود به نتیجه‌ی مطلوب و پایدار دست یابند. تئوری محیط فرهنگی از سوی سووی[2] نیز مورد تأکید واقع شده است. نکته‌ی جالب توجه در نظریه‌ی محیط فرهنگی آن است که اقدامات حکومتی و تبلیغات رسمی می‌توانند کمک کنند تا ایده‌های مهار رشد بی‌رویه‌ی جمعیت با سرعت بیش‌تری تحقق یابد ولیکن تمایل به داشتن فرزند کم‌تر در خانواده‌ها غالباً پیش از آن‌که تبلیغات سازمان‌ها در مورد اشاعه‌ی تحدید آغاز شود پدیدار می‌گردد ، نه بعد از آن(فروتن،۱۳۸۸: ۹۷) رایزمن[3]مراحل سه‌گانه‌ی تئوری انتقال جمعیتی را بر پایه‌ی تغییرات اجتماعی و فرهنگی تحلیل می‌کند. وی معتقد است که در هریک از این مراحل، جوامع بشری نوع خاصی از ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی را تجربه کرده‌اند. لشتاگه[4] به تبیین مناسبات فرهنگ و جمعیت پرداخته است و به شکل‌گیری فرهنگ جدید الگوهای شکل‌بندی خانواده در دنیای معاصر اشاره می‌کند. این تغییرات باعث گردید افراد با استقلال و اعتماد به نفس بیش‌تری در جهت دستیابی به اهداف شخصی خود عمل کنند. بی‌فرزندی یا تعداد اندک بچه‌ها در خانواده نمونه‌ای از

[1] Hankins
[2] Sauvey
[3] Riesman
[4] Leshtaghe

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

فرهنگ جدید الگوهای شکل‌بندی خانواده در جوامع امروزی است(فروتن ، ۱۳۸۸: ۹۶-۹۴) یکی دیگر از نظریه‌هایی که در تبیین رفتار باروری به مفهوم فرهنگ اشاره کرده، نظریه‌ی لی وین[1] و اسکریم شاو[2] است. ایشان تأکید می‌کنند کـه یـک رویکـرد فرهنگی برای باروری باید بر مدل‌های فرهنگی تولید مثل تأکید کنـد. چنـین الگوهـای فرهنگی عقاید و انتظارات مشترک یک جمعیت درباره‌ی باروری آن جمعیت را منعکس می‌کنند. مفهوم مورد تأکید در این مـدل‌هـا، عقلانیـت فرهنگـی است. عقلانیت فرهنگی آشکار می‌سازد که مثلاً رفتار باروری در کدام موقعیت مجاز و در کدام موقعیت باید با محدودیت همراه باشد. بر نقش هنجارهای فرهنگی تأکید می‌کننـد و معتقدنـد کـه عقلانیت فرهنگی است که برای انسان‌ها موقعیت مجـاز و غیر مجـاز رفتـار بـاروری را تعیین می‌کند. از این رو پیشنهاد می‌کننـد کـه بـرای درک رفتـار کنـشگران بایـد محـیط فرهنگی آنان و هنجارهای حاکم بر آن محیط را شناخت(منصوریان و خوشنویس،۱۳۸۵: ۱۳۵). بر همین اساس اگر محیط فرهنگـی از طریـق خویـشاوندان و دوسـتان زن، او را تشویق به داشتن فرزند دیگر کنند، گرایش او نیز به داشتن فرزند دیگـر بیـش‌تر از زنـی است که هیچ تشویقی از نزدیکان و دوستان خود دریافت نمی‌کند و ترغیب به این کار نمی‌شود. تئوری تکامل فرهنگی آرلیش[3]: تأثیر اندک برنامه‌های مهار رشد سرسام آور جمعیت در گذشته در بسیاری از کشورهای در حال توسعه ریشه در آداب و رسوم سنتی آمیخته با باورهای مذهبی و فشارهای اقتصادی به شکل‌گیری ذهنیت و نگرش‌های قوی در میان مردم در جهت طرفداری از تعداد فرزندان زیاد منجر می‌گردید. به همین دلیل در تئوری تکامل فرهنگی بر این نکته تأکید می‌شود که راه دست‌یافتن به موفقیت در کنترل جمعیت در کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته، تنها از طریق تغیردادن این گونه تفکرهای بنیادی است و مهم‌ترین راه برای انجام این امر تغییر شرایطی است که از وهله‌ی نخست اندیشه‌ها را به‌وجود آورده است(فروتن،۱۳۸۸: ۹۷و۹۶)

در زمینه‌ی ترجیح جنسیتی دو دسته نظریه وجود دارد. گروهی که مبتنی بر نظریات اقتصادی مانند نظریه‌ی گری بکر وانتخاب عقلانی هستند که فرزند پسر را به واسطه‌ی این‌که منفعت بیش‌تری از نظر اقتصادی و حمایت والدین در دوران پیری دارند توجیه می‌کند و از سوی دیگر نظریه‌های فرهنگی که الگوی هژمونی و برتری مردانه را در جریان جامعه‌پذیری به اعضای خود

[1] Levin
[2] Scrimshaw
[3] Ehrich

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

آموزش می‌دهد مطرح می‌شود. بر اساس این نظریه‌ها فرضیه‌ی سوم این است که بین ترجیح جنسیتی و گرایش به باروری رابطه وجود دارد. به نظر عباسی شوازی و همکاران، ایران نمونه‌ای است که واجد پیش‌شرط‌های نظریه‌ی برابری جنسیتی است. به‌طوری که سطح سواد زنان در مدت کوتاهی بسیار افزایش داشته است. به علاوه زنان امکـان ارتبـاط نسـبتاً آزاد با سایر زنان و نهادهایی مانند نظام سلامت و نظام آموزشی را کسب کرده‌اند. اما، هم‌زمان مشارکت آن‌ها در کار دستمزدی بسیار محدود باقی مانده است(عباسی شوازی و مک دونالد و حسینی، ۲۰۰۹: ۱۰) همان‌طور که از نظریه‌های برابری جنسیتی برداشت می‌شود، برابری جنسیتی در جوامع گوناگون در حال رشد است و به روایت اینگلهارت تاکنون زنان این سهم از برابری را درک نکرده بودند. اولین تأثیر برابری جنسیتی بر گرایش به باروری آنان خواهد بود. اگر برابری جنسیتی در خانواده افزایش یابد زنان گرایش بیش‌تری به باروری خواهند داشت. ولی اگر این برابری جنسیتی در نهادهای دیگر بیش‌تر باشد، قطعاً زنان عدم گرایش به باروری خواهند داشت تا در دیگر نهادها بتوانند حضور پررنگ‌تری داشته باشند. از طرفی در نظریه‌ی فمنیستی هم بیان شده که زنان به دلیل این‌که به حوزه‌ی خصوصی رانده شده‌اند، نسبت به مردان که در حوزه‌ی عمومی حضور جای‌گاه پایین‌تری دارند. بنابراین زنان برای ارتقای جای‌گاه و موقعیتشان علاقمندند که بیش‌تر وارد حوزه‌های عمومی بشوند و در طی این فرآیند قطعاً از نقش‌های حوزه‌ی خصوصی خود فاصله می‌گیرند و ابتدایی‌ترین رخداد در این زمان کاهش گرایش زنان به باروری خواهد بود. لذا با توجه به این نظریه‌ها فرضیه‌ی چهارم این است که: بین برابری جنسیتی و گرایش به باروری رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر یک بررسی پیمایشی است. جامعه‌ی آماری زنان ۲۰ تا ۴۴ ساله شهر تهران در سال ۱۳۹۶ می‌باشند که بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد آنان برابر با ۱۳۵۷۸۳۷ نفر است. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده و حجم نمونه ۳۸۴ نفر به دست آمد. روش نمونه‌گیری در این تحقیق طبقه‌ای بوده است. نمونه‌گیری طبقه‌ای وقتی به کار می‌رود که جامعه‌ی آماری دارای ساخت همگن نباشد. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته استفاده گردید. برای سنجش اعتبار ابزار تحقیق از اعتبار صوری(مراجعه به اساتید خبره‌ی جامعه‌شناسی) و اعتبار سازه‌ای(استخراج پرسش‌نامه از نظریه‌های مطرح، چارچوب نظری و مدل) کمک گرفتیم.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

پایایی پرسش‌نامه‌ی تحقیق نیز با استفاده از آلفای کرونباخ مورد برررسی قرار گرفت. با توجه به نتایج، کل پرسش‌نامه و تک تک خرده‌مقیاس‌های استفاده شده در پرسش‌نامه(برابری جنسیتی، ترجیح جنسیتی و ...) آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ داشته‌اند. برای سنجش گرایش به باروری هفت گویه در طیف لیکرت به پاسخ‌گویان ارائه شده بود. ابتدا تعریف مفهومی و عملیاتی برای گرایش به باروری انجام شده است. ترکیب شناخت‌ها، احساس‌ها و آمادگی برای عمل نسبت به یک چیز معین را گرایش شخص نسبت به آن چیز می‌گویند(کریمی،۱۳۸۵: ۲۲۰) گرایش به باروری نیز، گرایش و تمایل به داشتن فرزند از نظر اجتماعی و بیولوژیکی در بین خانواده‌هاست(عنایت و پرنیان،۱۳۹۲: ۱۲۰) گرایش را به تمایل و آمادگی درونی فرد برای داشتن فرزند با توجه به منافع و هزینه‌هایی که برای فرزند در ذهن خود در نظر می‌گیرد تعریف کرد. گرایش را می‌توان به دو دسته‌ی مثبت و منفی تقسیم کرد. چهار گویه‌ی اول گرایش مثبت و سه‌گویه بعدی گرایش منفی به باروری را می‌سنجند . گرایش مثبت مانند: مهم ترین هدف ازدواج فرزندآوری است. خوشبختی خانواده در گرو وجود بچه است. گرایش منفی مانند : من از محیط‌های که بچه زیاد است دوری می‌کنم. بچه فعالیت‌های اجتماعی انسان را تحت تأثیر می‌گذارد. در مورد متغیر برابری جنسیتی تعریف مفهومی وعملیاتی با پشتوانه‌ی چارچوب نظری صورت گرفته است. ۹ گویه در قالب طیف لیکرت به پاسخ‌گویان داده شده بود.زدربارهٔ‌ی برابری جنسیتی: این مفهوم با دو بعد زیر سنجیده می‌شود :الف- تقسیم کار جنسیتی: که بیانگر میزان تقسیم کارها و وظایف بین زوجین در خانواده است. این بعد، بیانگر وجه عینی برابری جنسیتی است. برای عملیاتی‌کردن این بعد، میزان کمک شوهر در کارهای خانه، در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است. ب- نگرش زن به میزان وجود برابری جنسیتی: بیان‌گر احساس زن در مورد عدم تبعیض جنسیتی و وجود برابری در خانه در رابطه با شوهر است. این بعد که بیش‌تر صبغه‌ای ذهنی دارد؛ از طریق پنج گویه در قالب طیف لیکرت بررسی شده است. در بعد عینی برابری جنسیتی سؤالات زیر مطرح شده است: همسرتان در خانه، چه قدر در بچه‌داری؟چه قدر در پخت‌وپزِ خانه؟ به طور کلّی همسرتان چه قدر در کارهای خانه‌داری به شما کمک می‌کند؟و در بعد ذهنی گویه‌های زیر برای سنجش برابری جنسیتی مطرح شده است. مانند: من و همسرم در تصمیم‌گیری‌های زندگی به یک اندازه نقش داریم. در تصمیمات مهم زندگی، همسرم حرف اصلی را می‌زند. برای بچه‌دارشدن، من و همسرم با مشورت هم، تصمیم‌گیری می‌کنیم..برای متغیر ترجیح جنسیتی از سه گویه زیر استفاده شده است: به نظر من فرقی بین فرزند دختر و پسر وجود ندارد. اگر بخواهم یک فرزند داشته

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

باشم، ترجیح می‌دهم فرزندم پسر باشد. به نظر من نگهداری از فرزندپسر راحت‌تر از فرزند دختر است.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی: در بخش آمار توصیفی نتایج زیر به دست آمد، میانگین سنی زنان ۳۵/۵ سال و میانه‌ی سنی آنان ۳۶ سال و نما یا مد ۴۰ سال بوده است. محل سکونت پاسخ‌گویان، مناطق ۲۲گانه‌ی شهر تهران بوده است. از نظر تعداد فرزندان بیش‌ترین درصد زنان(۴۴/۳) درصد دارای دو فرزند بوده‌اند. اما از بدون فرزند تا هشت فرزند نیز در بین پاسخگ‌ویان وجود داشته است. میزان تحصیلات زنان از بی‌سواد تا فوق لیسانس و بالاتر بوده است که بیش‌ترین درصد(۳۶/۲) درصد از زنان دارای دیپلم بوده‌اند. درباره‌ی درآمد خانواده نیز بیش‌ترین درصد(۴۴/۳) درصد از پاسخ‌گویان بین یک تا سه میلیون درآمد ماهیانه داشته‌اند.

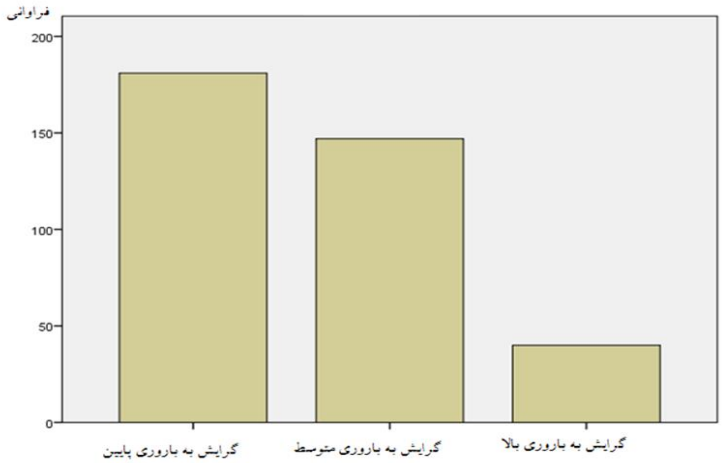
-آماره فراوانی گرایش به باروری: براساس نتایج به‌دست‌آمده در رابطه با گرایش به باروری و برای خلاصه‌کردن نتایج، ابتدا جهت سؤالات یکسان شده‌اند، جهت سؤالات به شکلی بوده است که کسب امتیاز بالاتر به منزله‌ی گرایش بالاتری به باروری است و با استفاده از دستور کدگذاری مجدد آن را در سه سطح تقسیم‌بندی کرده‌ایم. گرایش به باروری پایین، متوسط و بالا، سطح‌بندی یه این روش انجام شد که بر اساس سؤالاتی که در پرسش‌نامه برای سنجش گرایش به باروری مطرح شده بود و پاسخ‌ها بر اساس طیف لیکرت تقسیم‌بندی شده‌اند و امتیاز سؤالات از یک تا پنج در نظر گرفته شده بود. با بهره‌گیری از نتایج بیش‌ترین نمره کسب شده و کم‌ترین آنان، افراد دارای نمره‌ی چهار تا نه، در سطح پایین و کسانی که نمره‌ی نه تا پانزده را کسب کرده بودند در سطح متوسط و افرادی که نمره‌ی پانزده تا بیست را کسب کرده بودند از نظر گرایش به باروری در سطح بالا قرار گرفته‌اند.

جدول شماره‌ی یک- توزیع فراوانی گرایش به باروری

	سطوح گرایش به باروری	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
۱/۰۰	سطح پایین گرایش به باروری	۱۸۱	۴۷/۱	۴۹/۲	**۴۹/۲**
۲/۰۰	سطح متوسط گرایش به باروری	۱۴۷	۳۸/۳	۳۹/۹	**۸۹/۱**
۳/۰۰	سطح بالای گرایش به باروری	۴۰	۱۰/۴	۱۰/۹	**۱۰۰/۰**

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

قابل مشاهده است که ۴۷/۱ درصد از زنان گرایش به باروری پایین و ۳۸/۳ از آنان گرایش به باروری در سطح متوسط و ۱۰/۴ درصد گرایش به باروری بالا داشته‌اند. این نتایج در نمودار یک نیز قابل مشاهده است. منظور از گرایش به باروری برای پاسخ‌گویان این است که، چون برخی از پاسخ‌گویان فرزند نداشته‌اند، گرایش به آوردن فرزند اول و برای کسانی که فرزند داشته‌اند تمایل به آوردن فرزند دیگری است.



نمودار شماره یک- آماره‌ی فراوانی گرایش به باروری

-آماره‌ی فراوانی برابری جنسیتی

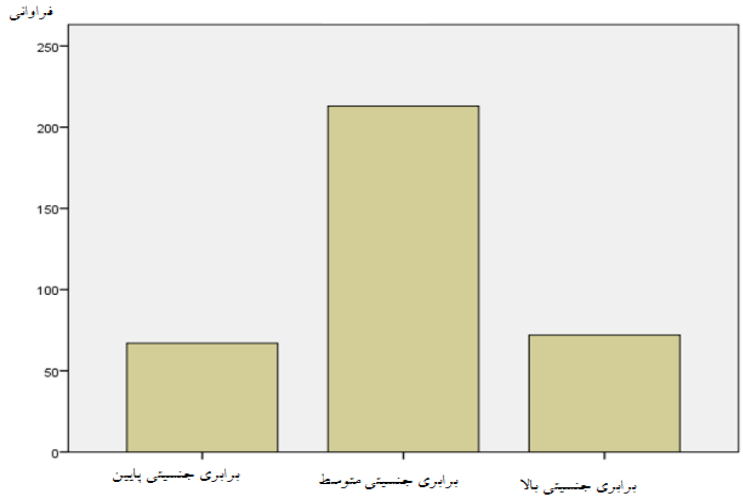
برابری جنسیتی نیز در سه سطح طبقه‌بندی شده. در رابطه با برابری جسیتی با توجه به سؤالات پرسش‌نامه و جهت سؤالات، هرچه نمره‌ی بالاتری افراد کسب می‌کردند نشان‌دهنده‌ی وجود برابری جنسیتی بالاتر بوده است. برطبق نتایج به‌دست‌آمده بیش‌ترین نمره ۳۸ و کم‌ترین ۸ بوده است. برای سطح‌بندی در سه سطح کسانی که نمره‌ی ۸ تا ۱۸ کسب کرده در سطح پایین و گروه دوم که نمره‌ای بین ۱۹ تا ۲۸ کسب کرده در سطح متوسط و گروه سوم نمره‌ای بین ۲۹ تا ۳۸ کسب کرده بودند، از نظر برابری جنسیتی در سطح بالا قرار داشته‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی دو- آماره‌ی فراوانی برابری جنسیتی

سطوح برابری جنسیتی		فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
سطح پایین برابری جنسیتی	۱.۰۰	۶۷	۱۷.۴	۱۹.۰	۱۹.۰
سطح متوسط برابری جنسیتی	۲.۰۰	۲۱۳	۵۵.۵	۶۰.۵	۷۹.۵
سطح پایین برابری جنسیتی	۳.۰۰	۷۲	۱۸.۸	۲۰.۵	۱۰۰.۰

۵۵/۵ درصد در سطح متوسط و ۱۸/۸ درصد در سطح بالا و ۱۷/۴ درصد در سطح پایین از حیث برابری جنسیتی بوده‌اند. در نمودار دوم این نتایج نمایش داده شده است.



نمودار شماره‌ی دو- آماره‌ی فراوانی برابری جنسیتی

آمار استنباطی: در آمار استنباطی ابتدا به آزمون فرضیات پرداختیم. فرضیات از نوع رابطه‌ای و جهت‌دار هستند و به دلیل این‌که متغیرها ناپارامتری هستند از آزمون‌های متناسب با متغیرهای ناپارامتری بهره برده‌ایم که نتایج زیر به دست آمده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

جدول شماره‌ی سه- ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل و گرایش به باروری زنان

متغیروابسته / متغیر های مستقل	گرایش به باروری			قضاوت آماری
	ضریب همبستگی اسپیرمن	سطح معنادار		
		۰.۰۰۵	۰.۰۰۱	
تحصیلات زنان	-۰.۳۲۷		۰.۰۰۰	ارتباط معنادار
اشتغال زنان	-۰.۱۵۳		۰.۰۰۲	ارتباط معنادار
ترجیح جنسیتی	۰.۱۱۷	۰.۰۱۳		ارتباط معنا دار
برابری جنسیتی	-۰.۱۴		۰.۰۰۵	ارتباط معنادار

رابطه‌ی گرایش به باروری و تحصیلات با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن محاسبه شده است. وجود رابطه‌ی معنادار و معکوس بین دو متغیر تأیید می‌گردد. بنابراین هرچه تحصیلات افزایش یابد، گرایش به باروری کاهش می‌یابد. همچنین رابطه‌ی آماری معنی‌داری بین دو متغیر گرایش به باروری و اشتغال زنان وجود دارد. این رابطه معکوس است. یعنی با اشتغال زنان، گرایش به باروری کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر زنان شاغل گرایش به باروری پایین‌تری نسبت به زنان غیر شاغل دارند. رابطه‌ی آماری معناداری بین دو متغیر گرایش به باروری و ترجیح جنسیتی وجود دارد و همچنین وجود رابطه بین گرایش به باروری و برابری جنسیتی اثبات می‌شود. با افزایش برابری جنسیتی، کاهش گرایش به باروری را می‌توان انتظار داشت.

تحلیل رگرسیون

تحلیل رگرسیون به روش‌های مختلفی انجام می‌شود. در این‌جا ما از روش stepwise استفاده کرده‌ایم. در این روش متغیرها یک به یک وارد مدل می‌شوند. ابتدا متغیری که بیش‌ترین همبستگی را با متغیر وابسته دارد؛ که در این تحقیق با توجه به نتایج رگرسیون متغیر مستقل تحصیلات است. دومین متغیری که وارد تحلیل می‌شود متغیری است که پس از تفکیک متغیر مقدم بر آن موجب بیش‌ترین افزایش در مقدار ضریب تعیین می‌شود؛ که در این‌جا اشتغال زنان است و در مدل سوم ترجیح جنسیتی وارد مدل می‌شود.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

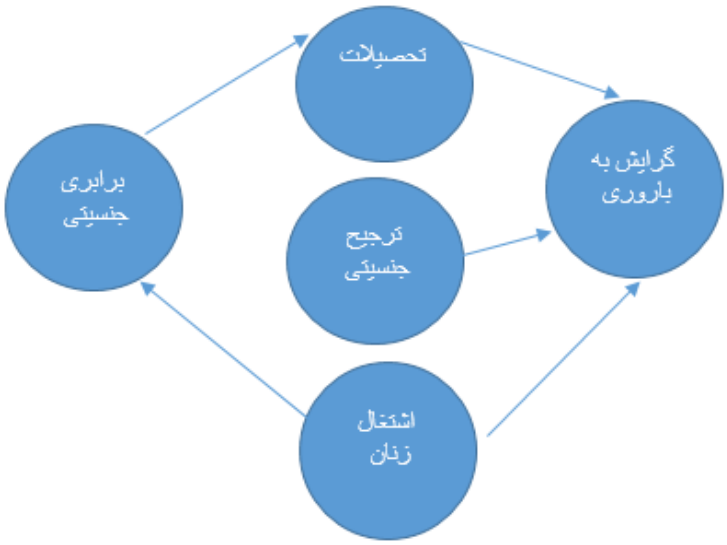
جدول شماره‌ی چهار- عناصر اصلی رگرسیون چندمتغیره به روش گام به گام برای پیش‌بینی متغیر وابسته (گرایش به باروری)

الگو	گام‌ها	متغیرهای پیش‌بین	استانداردشده Beta	معناداری
گام به گام	۱	تحصیلات	-۰/۱۶۱	۰/۰۰۳
	۲	تحصیلات	-۰/۱۵۴	۰/۰۰۴
		اشتغال	-۰/۱۲۴	۰/۰۲۰
	۳	تحصیلات	-۰/۱۵۳	۰/۰۰۴
		اشتغال	-۰/۱۲۸	۰/۰۱۶
		ترجیح جنسیتی	۰/۱۱۵	۰/۰۳۰

جدول فوق نشان می‌دهد که در مدل سوم متغیر تحصیلات ۱۵/۳ درصد و اشتغال زنان ۱۲/۸ درصد و متغیر ترجیح جنسیتی ۱۱/۵ درصد از تغییرات گرایش را به باروری تبیین می‌کنند .

تحلیل مسیر

در اجرای روش رگرسیون فقط می‌توانستیم تأثیر مستقیم هریک از متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را پیش‌بینی کنیم. برای رفع چنین مشکلی می‌توانیم از تحلیل مسیر استفاده کنیم. برای انجام تحلیل مسیر ابتدا براساس فرضیه‌ها و چارچوب نظری، مدل نظری تحقیق را رسم می‌کنیم.



نمودار شماره‌ی سه= مدل نظری تحقیق

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

سپس به روش اینتر رگرسیون انجام می‌شود. در جدول زیر نشان می‌دهد که متغیرهای ترجیح جنسیتی، اشتغال زنان و تحصیلات بر گرایش به باروری تأثیرگذارند.

جدول شماره‌ی پنج- ضرایب معادله‌ی رگرسیونی تأثیر متغیرهای مستقل بر گرایش به باروری به روش اینتر

متغیر	سطح معناداری sig	ضریب بتا
تحصیلات	۰.۰۰۹	-۰.۱۴
اشتغال زنان	۰.۰۳۵	-۰.۱۱۳
ترجیح جنسیتی	۰.۰۴	۰.۱۰۶

در مراحل بعد مسیرهای دیگر مورد بررسی و متغیرهای مستقل در جای‌گاه متغیر وابسته در معادله‌ی رگرسیونی قرار می‌گیرند و تأثیر سایر متغیرهای مستقل بر آن‌ها محاسبه می‌شود. مثلاً متغیر تحصیلات به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای مستقل دیگر به عنوان متغیر مستقل وارد معادله‌ی رگرسیونی می‌شود. در جدول زیر تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نشان داده شده است.

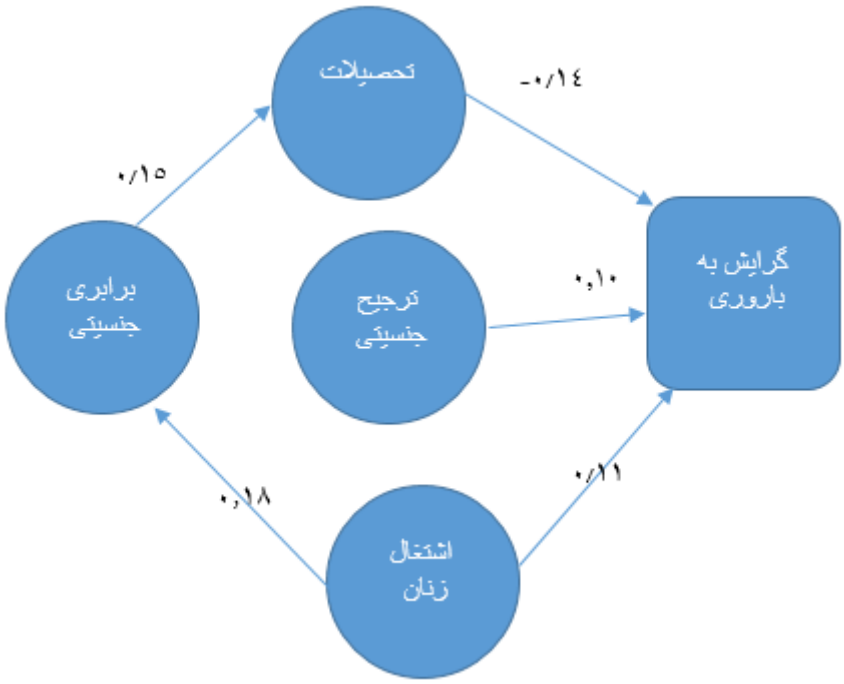
جدول شماره‌ی شش- تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته‌ی گرایش به باروری

متغیرها	تأثیرات مستقیم	تأثیرات غیر مستقیم	تأثیر کل
تحصیلات	-۰.۱۴	ندارد	-۰.۱۴
اشتغال زنان	-۰.۱۱	-۰.۰۰۳۷۸	-۰.۱۱۳
ترجیح جنسیتی	۰.۱۰	ندارد	۰.۱۰
برابری جنسیتی	ندارد	-۰.۰۲۱	-۰.۰۲۱

با انجام مراحل تحلیل مسیر سه گروه از متغیرها مشخص شدند. اول متغیرهایی که فقط بر روی گرایش به باروری تأثیر مستقیم داشتند که ترجیح جنسیتی از این گروه است. دوم متغیرهایی که فقط تأثیر غیر مستقیم داشتند. برابری جنسیتی متغیری بود که از طریق تأثیر بر تحصیلات بر گرایش به باروری تأثیر می‌گذارد و سوم هم تأثیر مستقیم و غیر مستقیم دارند که متغیر تحصیلات و اشتغال زنان جزو گروه سوم هستند.

در نهایت نمودار نهایی تحلیل مسیر همراه با ضرایب مسیر نمایش داده شده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]



نمودار شماره‌ی چهار- نمودار نهایی تحلیل مسیر همراه با ضرایب مسیر

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی اثر عوامل اجتماعی و فرهنگی بر گرایش به باروری در زنان بوده است. رابطه‌ی بین متغیرهای اجتماعی مانند تحصیلات و اشتغال زنان و متغیرهای فرهنگی مانند ترجیح جنسیتی و برابری جنسیتی با متغیر وابسته‌ی گرایش به باروری در این تحقیق تأیید می‌شود که این نتایج با پژوهش‌های پیشین مشابهت دارد. در زمینه‌ی رابطه‌ی تحصیلات و گرایش به باروری رابطه‌ی تحصیلات و باروری نیز در اکثر پژوهش‌های انجام‌شده در ایران تأیید شده است(میرزایی ۱۳۸۳، ادیبی ده و دیگران ۱۳۹۰، رشیدی ۱۳۷۹). همچنین جین ۱۹۸۱ به رابطه‌ی بین تحصیلات بر رفتار باروری پرداخته است و خاطرنشان می‌سازد افزایش سطح تحصیلات حتی اگر با افزایش فرصت شغلی همراه نباشد باز بر رفتار باروری تأثیرگذار است. درباره‌ی رابطه‌ی بین اشتغال و گرایش به باروری نیز نتایج تحقیق حاکی از وجود رابطه‌ی معکوس بین اشتغال و گرایش به باروری است. این نتایج در پژوهش دلپیانو(۲۰۱۲) نیز که در بخش پیشینه‌ی تحقیق

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

اشاره شد رابطه‌ی اشتغال و باروری بررسی شده است. همچنین با نتایج میرزایی ۱۳۸۳ مطابقت دارد.

تبیین‌های متفاوتی از روند تغییرات باروری در قالب نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی و جمعیت‌شناختی و اقتصادی و غیره ارائه شده است. از جمله‌ی این نظریه‌ها نظریه‌ی برابری جنسیتی مک دونالد است. او با دسته‌بندی برخی نهادهای جامعه به نهادهای فردمحور و خانواده-محور استدلال می‌کند که کاهش شدید باروری در کشورهای پیشرفته به خاطر این است که زنان در نهادهای فردمحور برابری جنسیتی بیش‌تری را نسبت به نهادهای خانواده‌محور تجربه می‌کنند. بر طبق نتایج به‌دست‌آمده از تحقیق، فرضیه‌ی وجود رابطه بین برابری جنسیتی و گرایش به باروری زنان متأهل شهر تهران تأیید شده است. در پژوهش‌های پیشین(خواجه صالحی ۱۳۹۱، قدرتی ۱۳۹۲) نیز وجود رابطه بین برابری جنسیتی و باروری به اثبات رسیده است که با نتایج این پژوهش مشابهت دارد. درباره‌ی رابطه‌ی ترجیح جنسیتی و بارروی نیز نتیجه‌ی به‌دست‌آمده از تحقیق ارتباط معنادار بین این دو متغیر را اثبات می‌کند. این نتیجه با نتایج منصوریان و خوشنویس(۱۳۸۵) و فروتن و همکاران(۱۳۹۳) تطابق دارد. در تحلیل رگرسیون نیز نتایج حاکی از آن است که تحصیلات زنان، اشتغال زنان و ترجیح جنسیتی تغییرات گرایش به باروری در زنان متأهل ۲۰ تا ۴۴ ساله‌ی شهر تهران را تبیین می‌کنند. در نتایج تحلیل مسیر نیز تأثیر کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به ترتیب ۱- تحصیلات زنان ۲- اشتغال زنان ۳- ترجیح جنسیتی ۴- برابری جنسیتی می‌باشد.

محدودیت‌ها: یکی از مهم‌ترین محدودیت‌ها در تحقیق، پرکردن پرسش‌نامه و جلب اعتماد پاسخ‌گویان برای همکاری است. در این زمینه در مورد برخی پاسخ‌گویان به‌دلیل بی‌سوادبودن، ناچار به انجام مصاحبه برای پرکردن پرسش‌نامه شدم.

پیشنهادها: در این بخش برخی پیشنهادها مرتبط با یافته‌های پژوهش است و بخش دوم پیشنهادهایی برای تحقیق‌های آینده است. در بخش اول به نظر می‌رسد با توجه به نتایج برای حل مسأله کاهش باروری و عدم گرایش زنان به باروری باید: اول این‌که زنان به عنوان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عنصر در باروری مورد توجه و عنایت قرار گیرند. دوم: برطبق یافته‌های تحقیق بین برابری جنسیتی و گرایش به باروری رابطه وجود دارد. می‌توان با افزایش برابری جنسیتی خصوصاً در نهادهای خانواده‌محور(مک دونالد نهادها را به دو گروه فردمحور و خانواده‌محور تقسیم می‌کند و تفاوت برابری جنسیتی بین این دو نهاد را عامل کاهش باروری می‌شمارد) به‌عنوان مثال می‌توان

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

با افزایش ساعات پرداختن به کارهای منزل و مراقبت فرزندان توسط مردان میزان گرایش به باروری در زنان را افزایش داد. این رابطه‌ی مثبت در تحقیق خواجه صالحی۱۳۹۱ به اثبات رسیده است. سوم: در زمینه‌ی اشتغال و تحصیلات باید زمینه‌های لازم برای محدودکردن تعارضات بین نقش‌های مختلف زنان صورت گیرد. نمی‌توان با مناسبات قبلی مردسالارانه توقع داشت که زنان هم تحصیل کنند، هم اشتغال به کارهای خارج از خانه داشته باشند و گرایش به باروری نیز وجود داشته باشد.

بخش دوم پیشنهاد می‌شود این تحقیق بر روی زوجین انجام شود و با به کارگیری روش‌های کیفی به این پاسخ رسید که آیا مفهوم مادری نزد زنان کم‌رنگ شده است یا خیر.

منابع

۱. ادیبی سده، مهدی، ارجمند سیاهپوش، اسحق و زهرا درویش‌زاده (۱۳۹۰) «بررسی میزان افزایش باروری و عوامل مؤثر بر آن در میان طایفه کرد ساکن اندیمشک»، مطالعات توسعه‌ی اجتماعی ایران، ۴(۱): ۹۸-۸۱.

۲. افراخته، حسن (۱۳۷۵) «تفاوت اهداف باروری بین زن ومرد، عوامل و نتایج آن (مطالعه‌ی موردی سیستان و بلوچستان)، تحقیقات جغرافیایی، شماره‌ی ۴۱: ۱۲۳-۱۱۶

۳. افشاری، زهرا (۱۳۹۴) «برابری جنسیتی و باروری در ایران»، زن در توسعه و سیاست، ۱۳(۲): ۲۴۵-۲۶۲

۴. خواجه صالحی، زهره (۱۳۹۱) «بررسی تأثیر برابری جنسیتی بر تمایلات باروری زنان در شهر سیرجان»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانش‌گاه تهران.

۵. رشیدی، ابراهیم (۱۳۷۹) «بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی مؤثر بر باروری در شهر دهاقان»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانش‌گاه تهران.

۶. شهابی، زهرا (۱۳۹۴) «گذار به مادری در بستر باروری پایین، مطالعه‌ی تجربیات، ارزش-ها و موانع مادری زنان شاغل با تحصیلات دانش‌گاهی در شهر تهران»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانش‌گاه تهران.

۷. طاووسی، محمود، مطلق، محمد اسماعیل، اسلامی، محمد، حائری مهریزی، علی اصغر، هاشمی، اکرم و علی منتظری (۱۳۹۴) «فرزندآوری و عوامل مرتبط با آن از نگاه مردم تهران: پیش آزمون یک مطالعه‌ی ملی»، پایش، ۱۴(۵): ۷۰۲- ۶۹۷

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

۸. عنایت، حلیمه و لیلا پرنیان (۱۳۹۲) «مطالعه‌ی رابطه‌ی جهانی‌شدن فرهنگی و گرایش به باروری»، زن و جامعه، ۴(۲): ۱۳۶-۱۰۹.

۹. فروتن، یعقوب، سعیدی مدنی، سیدمحسن، عسکری ندوشن، عباس و ربابه اشکاران (۱۳۹۳) «الگوها و تعیین‌کننده‌های ترجیح جنسیتی در شهرستان نکا، استان مازندران»، نامه‌ی انجمن جمعیت‌شناسی، ۹(۱۷): ۱۹۷-۱۷۱.

۱۰. فروتن، یعقوب و فرشاد کرمی (۱۳۹۵) «الگوها و تعیین‌کننده‌های تمایلات فرزندآوری در ایران»، نامه‌ی انجمن جمعیت‌شناسی ایران، ۱۱(۲۱): ۱۰۱ -۷۲.

۱۱. فروتن، یعقوب (۱۳۸۸) «زمینه‌های فرهنگی تحولات جمعیت‌شناختی، با اشاراتی به انتقال باروری در ایران»، مطالعات فرهنگی و ارتباطات، شماره‌ی ۱۴: ۱۱۰-۹۱.

۱۲. قدرتی، حسین، بوستانی، داریوش، قدرتی، اکرم و سید احمد کلالی (۱۳۹۲) «بررسی رابطه‌ی برابری جنسیتی در خانواده و باروری زنان مطالعه‌ی موردی: زنان متأهل ۲۰-۴۰ ساله‌ی شهر سبزوار»، مطالعات جغرافیای مناطق خشک، ۳(۱۱): ۹۱-۷۵.

۱۳. کاظمی‌پور، شهلا، ادریسی، افسانه و حسین صادق ویشکایی(۱۳۹۱) «عوامل اجتماعی مؤثر در میزان باروری در خانواده»، مطالعات جامعه‌شناختی ایران، شماره‌ی ۵: ۷۵-۵۷.

۱۴. کریمی، یوسف (۱۳۸۵) روان‌شناسی اجتماعی، تهران: دانش‌گاه پیام نور.

۱۵. میرزااحمدی، طیبه (۱۳۹۳) «تأثیر اشتغال بر گرایش به باروری زنان شاغل و غیر شاغل در شهر تهران»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانش‌گاه آزاد واحد تهران مرکز.

۱۶. میرزایی، رامین (۱۳۸۳) «بررسی عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی مؤثر بر باروری زنان همسردار (۲۵-۳۹) ساله‌ی شهر قزوین»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانش‌گاه علامه طباطبایی.

۱۷. منصوریان، کریم و اعظم خوشنویس (۱۳۸۵) «ترجیحات جنسی و گرایش زنان همسردار به رفتار باروری»، علوم اجتماعی و انسانی دانش‌گاه شیراز، ۲۴(۲)، پیاپی ۴۷: ۱۴۶-۱۲۹.

۱۸. موحد، مجید، عنایت، حلیمه و مرضیه مردانی (۱۳۹۱) «مطالعه‌ی عوامل زمینه‌ای مرتبط با ساختار توزیع قدرت در خانواده»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱(۳): ۱۷۸-۱۵۹.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]

19. Abbasi-Shavazi, M. J, Mc Donald, P. & Hosseini -Chavoshi, M. (2009). The fertility transition in Iran: Revolution and Reproduction, London: Springer

20. Anderson, T. &, Kohler, H, P. (2015),"Low fertility, socioeconomic Development, and Gender Equality", Population and development review, 41, 3, 381-407.

21. Caceres, D. (2012.). Can we still learn something from the relationship between fertility and mother s employment? Evidence from developing countries. Demography, 49, 151-17.

22. Forotan, Y.(2014). Social change and demographic response in Iran (1956-2006), British journal of Middle Eastern studies, 41,2,219-229

23. Gunther, I. & Harttgen, K. (2016). Desired fertility and number of children born across time and space, Demography, 53, 1,55-83

24. Jain, A. (1981) . The effect of female education on fertility; a simple explanation, Demography, 18, 577-595

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-19]